**جلسه چهاردهم: انسان بعد دنیا**

ضرورت بحث:انسان ظرفیتی که قرار است شکوفا شود را مقابلش می بیند. انسان با ورود به دنیا چنان عالم را بهم می زند که عالم بعد از ورود او با عالم قبل از ورودش فرق دارد.تحقق اختیار و ارتباط انسان با دیگران در دنیا موجب می شود وضعیت انسان بعددنیا تفاوتهایی کند با قبل دنیا. قدری از ظرفیت ها قبل وقوع و مقداری دیگر از ظرفیتها را بعدوقوع می توان شرح داد.مثلا ازدواج قبل دنیا فقط اصلش مطرح می شود ولی ازدواج در آخرت ،شرح حقیقت خاص خانواده می باشد.

با بیان قبل دنیا می گوید که پیش فرض ها راتغییربدهید و با بیان پس از دنیا نتایج آنها را شرح می دهد. وضعیت انسان درآینده، دورنمای حقیقت نهایی بازشده ی انسان را در اختیار می گذاردو این غیر از بیان حقیقت اجمالی است.

مساله اعتبارات علامه: صدور فعل از انسان در فلسفه رایج اسلامی چنین است:تصور-تصدیق-شوق-شوق محرکه-اراده و فعل. علامه قبل از اراده ،اعتبار را اضافه می کند.یعنی اگر انسان برای خود اعتبار نکند فعلی انجام نمی شود.

قیامت شرح عالم های تولید شده است.به خاطر خبرداشتن از قیامت می توان در فضای علوم اجتماعی انسان و جامعه انسانی را تحلیل کرد. مثلا بچه در شکم مادر اگر آینده را نداند به تفصیل،خیلی عناصر فعلی به دردش نمی خورد.هرنشئه ای با ارتباط با نشئه های دیگر معنادار است؛چه درارتباط با اشیاء خارج یا اجزاء انسان.

کلیدواژه های آینده انسان

* ظهور که در دنیا رخ می دهد
* رجعت ، در حدفاصل دنیا و آخرت
* قیامت که بعد دنیا رخ می دهد.

علامه وجه مشترک این سه را در ظهور حقیقت می داند. اگر اینها را مراتب مختلف ظهورحقیقت بدانیم پس احادیث را می توان با هم استفاده کرد.این سه امر در طول هم هستند.

سوال:آیا عرصه های فردی،خانواده و اجتماعی را در این سه واقعه می توانیم معنا کنیم؟

در ظهور عرصه اجتماعی خیلی پررنگ است.در رجعت هم از حیث اجتماعی روایات داریم.در هر دو عرصه ی فردی شان مسلم است.اینکه آیا ظهور و رجعت دو واقعه مستقل است یا یک چیز؟تلقی ما اینست کهمی شود هر دو درست باشد یعنی یک دسته در ظهور رجعت می کنند و یک دسته پس از ظهور.

گویی در ظهور یک واقعه ای در دنیا انجام می شود و در رجعت واقعه ای بینابین دنیا و آخرت .بخشی ازویژگی های دنیا مثل زمان و مکان و بخشی از ویژگی های آخرت را دراست.شواهدآن اینکه روایت آمده که آتش شب و روز براینها عرضه می شود(زمان).ارواح مومنین در وادی السلام با هم جمع می شوند(مکان).گویا قبل از ورود به آخرت ،اول مرز دنیا و آخرت برداشته می شود.مثلا از توصیفات قیامت چنین برمی آید،آنجا که می فرماید:باردار حملش را زمین می گذارد... باردار در برزخ وارد می شود یا نه؟ این تمثیل محض نمی تواند باشد.

چرا رجعت رخ می دهد؟می شود گفت چون عده ای از انسانها در دنیا نتوانستند ظرفیت خود را شکوفا سازند(خوبهای خوب و بدهای بد) باز می گردند تا خود را به ظهور برسانند.

هدف از شاخت واقعه ظهور و ویژگی های آن برای شاخص گذاری جامعه و وضع دینداری است،برای اینکه چک کنیم کارهایمان را. پس برای فضای شناخت،عمل خود و ارتباطات.دیگر به خاطر اینکه بالاخره در همین دنیا حق معلوم می شود و نسبیت برچیده خواهد شد.

با توجه به سرفصل های علامه در رساله بعد دنیا:

شامل سه بخش است:

* باطن عمل دنیا:طراط – میزان – کتب – حساب – جزاء
* باطن ارتباطات با دیگران: شهداء روز قیامت – شفعاء – اعراف
* واقعیت بعد دنیا: موت و اجل – برزخ – نفخ صور – صفات روز قیامت – قیام الانسان الی فصل القضاء(معادجسمانی)- جنت ونار – عمومیت معاد.

1. موت و اجل:

هر موجود ماسوی ا... وجودش محدود به اجلی است.البت در فلسفه ما خیلی قائل نیستند که مجردات موت و اجل دارند.مثلا آیا قیامت یا طیرالارض زمان دارد یا نه؟ قطعا زمان دنیوی ندارد .ازآنجا که قدمای ما غیر از زمان دنیوی نمی شناختند گفتند زمان ندارد ولی ممکن است زمان و تدریج مخصوص خود داشته باشد.مجردات چطور؟اگر زمان نداشته باشند پس تکامل و تغییر ندارند؛پس آن زمان که فرشتگان نمی دانستند ولی آدم خبرداد وآنها دانستند،آیا تغییرنکردند؟اینکه در زیارت جامعه مومنین می گوید یتقرب اهل السماء .....بکثره البکاء...،فرشتگان چگونه به تبع انسان رشد دارند؟

در قیامت مهمترین واقعه اینست که بطلان ماسوی ا... آشکار می شود.علامه می فرماید:تقطعت بهم الاسباب یعنی هر اسباب و علیتی قطع می شود.همه ی آنچه ما روی آن حساب می کنیم یا ملکیت است یا ارتباطات. هردوی اینها از ماسوی ا.. خالی می شود .دو چیز می ماند ؛یکی عمل خود و دیگری شفعاء واقعی.

چرا افراد را با امامشان محشور می کنند؟چرا افراد را با با امامشان می خوانند؟امامان شفیعان هستند چه امام جور یا امام حق.انسان را به بهشت یا به جهنم می برند.

ارتباط با دیگران و امام هم عمل انسان است که حقیقت آن در قیامت بروز می یابد.شفیع یعنی کسی که با ما جفت می شود و بعد کاری انجام می شود.

1. برزخ:اگر نبود رجعت بی معناست.زمان قیامت در طول زمان دنیا نیست.ظاهرا با مرگ پرونده کاملا بسته نمی شود.اگر چنین نباشد پس اعمال شهداء چگونه است؟اعمال و کرامت اهل بیت چگونه است؟
2. نفخ صور: دو نوع است:نفخ صور اماته و نفخ صور احیاء که در هر دو استثناء هست.این استثناء چه معنا دارد؟ همه نفخ صور اماته شاملشان است مگر کسی که خدا بخواهد.کسی که حسنه بیاورد شامل فزع نفخ صور نیست.حسنه وقتی که مطلق بیاید به معنای ولایت است نه هر کار خوبی. در احیاء هم همه احضار می شوند به جز مخلصون.مخلص یعنی ماسوی الله از او حذف شده است . چون هر ماسوی اللهی اجل و موت دارد.اینها شده اند وجه الله.
3. از صفات روز قیامت اینکه باطن ظاهر می شود و ظاهر ها باطل.
4. علت معادجسمانی: الی الله المصیر: به سوی خداست بازگشت.حسابرسی اختیار برای انسان است ولی حشر مخصوص انسان نیست.
5. جنت و نار ارتباط شدیدی با زمین دارد.هنگام ورود بهشتیان به بهشت: الحمدلله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض و نتبوء الجنه. ....هرجای بهشت که بخواهیم می توانیم مکان بگیریم.

آیا جنت در این زمین است؟زمین الهی است. زمین ،زمین دیگری می شود: يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ([سوره 14, آیه 48](http://www.parsquran.com/data/show.php?lang=ara&sura=14&ayat=48&user=far&tran=))

1. صراط: سریع رفتن یعنی چه؟ این در جهت تمدن اسلامی می تواند ایده بدهد؟ چگونه می تواند جامعه در صراط سریعتر برود ؟با پیشرفت تکنولوژی و افزایش ساختارها حرکت سریعتر می شود؟
2. میزان: آنچه میزان را سنگین می کند حق است.کار کافر و منافق حق ندارد که سبک و سراب است. کار بدشان که کظلمات فی البحر است.کار خوب آنها کسراب است.اصلا این اعمال به آنها ارتباطی نداشته که جدا شود یا اینکه اصلا حقیقتی نداشته . درمورد مومنین هم اگر فاسق باشند خفت موازینه و اگر مومن راستین باشند ثقلت موازینه.

کاراصلی پیامبران دعوت به توحید است بعد اخلاق.اصلا نتیجه توحید اخلاق است.اولین چیزی که پیامبر به آن دعوت میکند اینست که قولوا لا اله الا الله تفلحوا.

1. کتب:اعمال ما در نامه اعمال ثبت می شود.یک جایی داریم که نامه ما در امام ثبت می شود.ارتباط با امام عمل ماست و می توان گفت که ما یک عمل داریم و آن ارتباط با امام است.
2. حساب: همه ی پیامبران شاهد امتند و پیامبر ما شاهد بر آنهاست.شهادت در جایی است که عمل را ببینند پس پیامبر اعمال ما را می یند و در او ثبت است.
3. اعراف: ائمه و پیامبر در اعراف هستن و مستضعفین در پایین اعراف هستند.